

الرحمن الرحيم  
بِسْمِ اللَّهِ



سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگ و اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۷

تعدادگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

**غیرقابل فروش / اهدایی**

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی

مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگ و اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگ و اجتماع

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۶

سایت سازمان: [www.oghaf.ir](http://www.oghaf.ir)

سایت معاونت: [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir)

سایت مجتمع: [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir)

انقلنا قلوبنا

## فهرست

۶..... ضرورت مطالعه‌ی انقلاب اسلامی

۹..... ضعف در تبیین انقلاب

### **۱۲..... مبانی فکری انقلاب اسلامی**

۱۴..... توحید

۲۰..... تکریم انسان

۲۳..... معاد باوری

۲۶..... باور به استعدادهای انسان

۲۷..... جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح

### **۳۱..... اهداف انقلاب اسلامی**

۳۲..... منظومه‌ی اهداف

۳۷..... نسبت آرمان‌گرایی با واقع‌بینی

۳۸..... رابطه‌ی «تکلیف‌مداری» با «دنبال نتیجه بودن»

## فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی ..... ۴۰

انقلاب اسلامی ..... ۴۱

نظام اسلامی ..... ۴۳

دولت اسلامی ..... ۴۵

کشور اسلامی ..... ۴۶

تمدن اسلامی ..... ۴۷

## موانع انقلاب اسلامی ..... ۴۹

ماهیت موانع ..... ۵۰

دسته‌بندی دشمنان و موانع ..... ۵۲

الف. دشمن بیرونی ..... ۵۲

اشاره‌ای به معنای استکبار ..... ۵۳

چهار علت دشمنی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی ..... ۵۴

ب. دشمن درونی ..... ۵۹

لزوم مبارزه با دشمن درونی ..... ۶۱

## اهمیت حفظ انقلاب اسلامی ..... ۶۵

حفظ انقلاب؛ حفظ اسلام ..... ۶۶

لوازم صیانت از انقلاب ..... ۶۷

## ضرورت مطالعه‌ی انقلاب اسلامی

اگرچه در دوران کنونی و در قرن بیستم میلادی، در سرتاسر عالم انقلاب‌های گوناگونی به وجود آمد، اما همه چیز انقلاب اسلامی ایران استثنایی بوده و با انقلاب‌های دیگر قابل مقایسه نیست.<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی، نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی و نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی و سیاسی است؛ بلکه مثل خود اسلام، یک انقلاب همه‌جانبه است. همان طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی و الهی دارد و در عین حال ناظر به زندگی مردم بوده و در آن ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف است. راز ماندگاری و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰

۲. بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴

درباره حادثه‌ی پیروزی انقلاب حرف‌های زیادی زده شده و در طول این سال‌ها مطالبی بسیاری بیان گردیده؛ اما حقیقت این است که هنوز اهمیت، عظمت و ابعاد این حادثه برای خود ما نیز درست روشن نیست. ما می‌دانیم و می‌بینیم این حادثه خیلی عظیم است؛ اما تا وقتی نزدیک هستیم، درست نمی‌توانیم ابعاد آن را درک کنیم. تاریخ قضاوت خواهد کرد. کسانی که این حادثه را از دور می‌بینند و می‌توانند آن را در مجموع حوادث تاریخی مشاهده کنند، به عنوان یک لحظه تاریخی می‌فهمند این حادثه چقدر عظیم است.<sup>۱</sup> ما اگرچه با همه‌ی وجود این انقلاب را لمس کرده‌ایم، اما تحلیل و قضاوت‌مان درباره‌ی آن کمتر از بیگانگانی است که از دور و نزدیک، با این انقلاب ارتباط پیدا کردند. البته در میان بیگانگان تحلیلگر و قضاوت‌کننده، عده‌ی زیادی بودند و هستند که با دیدگاهی مغرضانه وارد شدند. با این حال

---

۱. بیانات در پایان درس خارج فقه، ۱۳۸۰/۱۱/۲۶

حقیقتاً باید اعتراف کنیم که امروز تحلیل و تفسیر انقلاب، کاری است که دشمنان انقلاب بیشتر از ما به آن پرداخته‌اند. البته قصد آن‌ها از این تحلیل و تفسیر این بوده که پیام انقلاب را عوض کنند و حقیقتی را که به دست خود ملت اتفاق افتاده و در نظر آن‌هاست، غلط جلوه دهند.<sup>۱</sup>

یقیناً اغلب ما هنوز نمی‌دانیم چه کار عظیمی انجام گرفته است. این انقلاب، حادثه‌ی فوق‌العاده و عجیبی است. همه‌ی دنیای استکبار و طغیان و جاهلیت یک طرف و این انقلاب طرف دیگر. واقعه‌ی خیلی مهمی اتفاق افتاده است و در خودش این کفایت را می‌بیند که به مصاف تمام طغیان و کفر جهانی برود. ما در این انقلاب قرار گرفته‌ایم و نمی‌فهمیم چه قدر بزرگ و مهم است.<sup>۲</sup>

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴



## ضعف در تبیین انقلاب

این انقلاب، با این عظمت و ابعاد و آثار عملی، از لحاظ ارائه‌ی مبانی فکری خودش، یکی از ضعیف‌ترین و کم‌کارترین انقلاب‌ها و بلکه تحولات دنیاست. وقتی انقلاب اکثراً تحقق پیدا می‌کند، در طول ده‌پانزده سال، آن قدر کتاب و فیلم و قصه و جزوه در سطوح مختلف راجع به مبانی فکری این انقلاب نوشته می‌شود که در کشورهایی که با آن انقلاب به آن‌ها رسیده، دیگر مردم احتیاجی ندارند از کتاب‌های آن‌ها استفاده کنند! آن قدر فضای ذهنی پُر شده است که روشن‌فکرهای کشورهای دیگر می‌نشینند و راجع به مبانی ارزشی و فکری آن‌ها کتاب می‌نویسند! به همین دلیل در دهه‌های گذشته، در ایران درباره‌ی مبانی فکری انقلاب شوروی، به زبان فارسی کتاب‌های زیادی نوشته شد. صاحبان آن انقلاب آن قدر نوشتند که روشن‌فکرهایی که در اینجا به نحوی از لحاظ فکری با آن‌ها ارتباط پیدا می‌کردند، به جهت اندیشه اشباع می‌شدند و بعد یک آدم مثلاً دست به قلم و

روشن فکر، براساس جوشش فکری خود مطالبی - غیر از ترجمه های فراوانی که از آثار آن ها می شد - می نوشت.

ما چه کار کردیم؟ کاری که ما در این زمینه کردیم، واقعاً خیلی کم است. گاهی انسان دلش نمی آید که بگوید در حد صفر؛ چون واقعاً کسانی با اخلاص کارهایی کرده اند؛ اما اگر نخواهیم ملاحظه ی این جهات عاطفی را بکنیم، باید بگوییم یک ذره بیشتر از صفر و خیلی خیلی کم کار شده است. البته، این کم کاری دلایلی دارد مانند اینکه بعضی از روشن فکران و متفکران اصلی را در همان اول انقلاب از ما گرفتند و بعضی از آن ها نیز مشغول کارهای گوناگون اجرایی شدند؛ اما اساس قضیه این است که ما تولید نکردیم. می بایست در طول سال هایی که از انقلاب گذشت، صدها نویسنده ی اسلامی، مبانی اسلامی انقلاب ما را نوشته و منتشر می کردند.<sup>۱</sup> البته تاکنون

۱. بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه ی علمیه ی قم، ۱۰۹/۰۷

چنین کاری نشده و اگر هم شده، اندک است؛ اما انجام نشدن این کارها نباید مانع فهمیدن حقایق از طرف جوانان گردد. جوانان باید حرف‌هایی را که از طرف بزرگان انقلاب راجع به انقلاب، در طول این سال‌ها زده شده است، بشنوند و آن‌ها را مورد تأمل قرار دهند.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

انقلاب فکری

**مبانی فکری انقلاب اسلامی**

[۱]

انقلاب اسلامی و حرکت آن و وظایف ما نسبت به آن بر پایه‌ها و مبانی مشخصی استوار است. این خصوصیت تفکر و مکتب اسلامی و دینی است. آن مبنای فکری چیست؟

به طور کوتاه و خلاصه از اینجا باید شروع کنیم و ببینیم که خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام از کائنات، عالم و از انسان چیست. البته این مخصوص اسلام هم نیست. همه‌ی ادیان اگر تحریف نشده باشند در مبنای صحیح و ریشه‌ی اصلی خودشان همین بینش را دارند. اسلام سالم و دست نخورده و متکی به منابع متقن، در اختیار ماست. بقیه‌ی ادیان ممکن است این خصوصیات را نداشته باشند. آن مجموعه‌ی معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آن‌ها به دست می‌آید یعنی جهان بینی و بینش اسلامی فصول متعددی دارد که به پنج نقطه‌ی مؤثرتر و مهم‌تر آن اشاره می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹ / ۰۹ / ۱۲

## توحید

لُبُّ روح و حقیقت اسلام، توحید است<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است و محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می افکند.<sup>۲</sup> بنای توحید مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست.<sup>۳</sup> توحید، یعنی اعتقاد به اینکه این ترکیب پیچیده‌ی بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشان‌ها و سحابی‌ها و حفره‌های عظیم آسمانی و کرات بی‌شمار و میلیون‌ها منظومه‌ی شمسی بگیرد تا سلول کوچک و ترکیب ریز شیمیایی، ساخته و پرداخته‌ی یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. نقطه‌ی بعدی اینکه این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بی‌نهایت و توصیف‌ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، فلان بت ساخته‌ی بشر، یا فلان انسانِ محدود مدعیِ خدایی، یا فلان سمبل و نمادِ افسانه‌ای و اسطوره‌ای نیست؛

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۴/۰۱/۱۶

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۸۱، [مصاحبه با روزنامه «السفر» پیرامون انقلاب، ابر قدرت‌ها و رژیم صهیونیستی]

۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹

بلکه ذات واحد مقتدر لایزال است که ادیان به او «خدا» می‌گویند و او را با آثارش می‌شناسند؛ «هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون»<sup>۱</sup>.

مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق جل و علا، در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه‌ی اسلامی تأثیر می‌گذارد و آن را به صورت یک جامعه‌ی هماهنگ و مرتبط به یکدیگر و متصل و برخوردار از وحدت - وحدت جهت و وحدت حرکت و وحدت هدف - می‌سازد. این جوامع، نقطه‌ی مقابل تأثیر شرک و مشرکان و آله‌ی شرک آفرین هستند.<sup>۲</sup> جامعه‌ای که بر مبنای شرک باشد، میان آحاد و طوایف انسان، یک دیوار غیرقابل نفوذ و یک دره‌ی جدایی غیرقابل وصل وجود دارد. درست به عکس آن در جامعه‌ی توحیدی، که وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیومی و قاهری که همه‌ی حرکات و پدیده‌های عالم، مرهون اراده و قدرت او می‌باشد، یکی است، انسان‌ها - چه سیاه و چه سفید و چه نژادهای گوناگون و وضعیت اجتماعی مختلف - با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹

آن خدا وصلاند، به یکجا متصلاند و از یکجا مدد و کمک می‌گیرند. این، نتیجه‌ی قهری اعتقاد به توحید است.

در این دیدگاه، نه فقط انسان‌ها به یکدیگر مرتبطاند، بلکه با نگاه و نگرش توحیدی، اشیا و اجزای عالم و حیوانات و جمادات و آسمان و زمین و همه چیز، به یکدیگر متصل و مرتبطاند و همه با انسان خویشاوندند. بنابراین، همه‌ی آنچه که انسان می‌بیند و احساس و درک می‌کند، یک افق و یک عالم و یک مجموعه است که در یک دنیای سالم و یک محیط امن قرار می‌گیرد. اینکه در قرآن می‌فرماید: «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام»، کسانی که به خدا ایمان پیدا کنند، خداوند آن‌ها را هدایت می‌کند و به راه‌های سلّم و همزیستی سوق می‌دهد، به خاطر مبنای توحیدی جامعه‌ی اسلامی است.

ولایت هم معنایش همین است. ولایت، یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال انفکاک. جامعه‌ی اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه‌ی اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه یعنی ولی، متصل است. لازمه‌ی همین ارتباط و اتصال است که جامعه‌ی اسلامی در درون خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را



جذب می‌کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع می‌کند و با آن معارضه می‌نماید. یعنی «**اشدء علی الکفار رحماء بینهم**» لازمه‌ی ولایت و توحید جامعه‌ی اسلامی است.<sup>۱</sup> ولایت، نشانه و سایه‌ی توحید است. ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه‌ی اسلامی متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولیّ مؤمنین می‌رسد.<sup>۲</sup>

توحید یک معنای شامل و عام و سایر در طول تاریخ است. معنا و روح توحید عبارت است از اینکه انسان از غیر خدا عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا، جبهه‌ی بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیت کامل و خالص است. قید و بندهایی که به بشر بسته می‌شود، هریک نوعی عبودیت برای انسان به وجود می‌آورد. عبودیت نظام‌های اجتماعی غلط، عبودیت آداب و عادات غلط، عبودیت خرافات، عبودیت اشخاص و قدرت‌های استبدادی، عبودیت هواهای نفسانی - که این از همه رایج‌تر است - و عبودیت پول، زر و زور. این‌ها انواع عبودیت است. وقتی می‌گوییم «لا إله إلا الله، وحده لا شریک له»، یعنی توحید خالص. معنایش این است که همه‌ی

۱ همان

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۱/۰۲

این عبودیت‌ها به کنار رود که اگر چنین شود، فلاح و رستگاری، حقیقتاً حاصل خواهد شد. اینکه فرمود: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا»، این فلاح یک فلاح حقیقی است. فقط فلاح سیاسی نیست، فقط فلاح اجتماعی نیست، فقط فلاح معنوی نیست، فقط فلاح روز قیامت نیست؛ بلکه فلاح دنیا و آخرت است.<sup>۱</sup> از بزرگ‌ترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت و زندگی مادی از عبادت و دین از سیاست است. گویی خدای دنیا - معاذ الله - جباران و زورگویان و چپاولگران و ابرقدرت‌ها و جنایت‌کارانند و استضعاف و استعباد و استثمار خلیق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلم آن‌هاست و همگان باید پیشانی اطاعت برآستان تفرعن آن‌ها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده‌ی بی‌مه‌اران تسلیم باشند و اعتراض نکنند.<sup>۲</sup>

توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هر کس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۰۴/۱۴

قرار داده و از او به کارگیری آن‌ها را همچون فریضه‌ای تخلف ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است دوختن و عوض ناکامی‌های شخصی و میان‌راهی را نزد خدا جستن؛ و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است.<sup>۱</sup> توحید یعنی نفی همه‌ی قدرت‌هایی که به نحوی جسم و جان آدمی را در قبضه‌ی اقتدار خویش گرفته‌اند و اثبات حاکمیت مطلق الهی بر همه‌ی وجود و به عبارت روشن و آشنا: حاکمیت نظام اسلامی و مقررات اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمین.<sup>۲</sup>

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۰/ ۱۰۳/ ۱۳۶۹

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۲۵/ ۱۰۲/ ۱۳۷۳

انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد. قسمت اعظم این حرفِ نو توحید بود؛ با معنای عمیق و دقیق و همه جانبه‌ی آن. توحید یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیان‌گر بر ارزش‌های انسانی و اصیل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود.<sup>۱</sup> اعتقاد به توحید، سازنده‌ی این عالم و سازنده‌ی زندگی است. هر چه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شرطواعت و آنداد الله از سرما بیشتر کم خواهد شد. این، خاصیت توحید و خاصیت عبودیت لله است؛ این، آن رکن اول است.<sup>۲</sup>

## تکریم انسان

رکن دوم، تکریم انسان است؛ یا می‌توانیم به آن بگوییم انسان‌محوری. البته انسان‌محوری در بینش اسلامی، به کلی با اومانیسیم اروپای قرون هجده و نوزده متفاوت است؛ این‌ها فقط در اسم شبیه هم هستند. انسان‌محوری اسلام، اساساً اومانیسیم اروپایی نیست. کسی که قرآن و نهج‌البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۰۴/۲۱

تلقی را به خوبی پیدا می‌کند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می‌چرخد؛ «ألم تروا ان الله سخر لكم ما في السماوات وما في الأرض». مسخر شماست، یعنی چه؟ یعنی الآن بالفعل شما مسخر همه شان هستید و نمی‌توانید تأثیری روی آن‌ها بگذارید؛ اما بالقوه طوری ساخته شده‌اید و عوالم وجود و کائنات به گونه‌ای ساخته شده‌اند که همه مسخر شماست. مسخر یعنی چه؟ یعنی توی مشت شماست و شما می‌توانید از همه‌ی آن‌ها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان دهنده‌ی آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او می‌کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است؛ «ولقد كرمنا بني آدم». این تکریمی است که هم شامل مرحله‌ی تشریح و هم شامل مرحله‌ی تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریحی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است.<sup>۱</sup> هیچ مکتبی به قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده است، اصل «تکریم انسان» است.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۲. بیانات در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س)، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵

در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما- که از متن اسلام گرفته شده است- مردم‌سالاری حقیقی است؛ مثل مردم‌سالاری آمریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهن‌های مردم نیست.<sup>۱</sup>

در نظام جمهوری اسلامی، تکریم شأن انسان، ارزش دادن به انسان، رشد دادن انسان، انسان را در کار شایسته‌ی خودش به کار گرفتن و نیروهای او را در خدمت اهداف متعالی جوشاندن، از گرایش‌های اصولی است.<sup>۲</sup> جامعه‌ای که در یک مجموعه‌ی جغرافیایی و سیاسی زندگی می‌کند، کرامتش اقتضا می‌کند که آزاد و مستقل باشد و استعداد او شکوفا شود؛ بر سرنوشت خود مسلط باشد؛ مورد تحقیر و اهانت قرار نگیرد و شخصیت ذاتی او بروز کند.<sup>۳</sup> در نحوه‌ی اداره‌ی کشور و ارتباط با

۱. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۸۵/۰۳/۱۴

۲. بیانات در دیدار با مسئولان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۰۵/۰۷

۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲

انسان‌ها، عزت ملی به این است که تک‌تک انسان‌ها در یک جامعه مورد احترام قرار بگیرند؛ «اما اخ لك في الدين واما نظير لك في الخلق».<sup>۱</sup>

## معاد باوری

سومین نقطه‌ی اصلی و اساسی در جهان‌بینی اسلامی، مسئله‌ی تداوم حیات بعد از مرگ است؛ یعنی زندگی با مردن تمام نمی‌شود. در اسلام و البته در همه‌ی ادیان الهی این معنا هم جزو اصول جهان‌بینی است و تأثیر دارد؛ تمام این اصول جهان‌بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه‌های حکومت اسلامی و اداره‌ی جامعه و اداره‌ی عالم مؤثر است. بعد از مرگ، ما وارد مرحله‌ی جدیدی می‌شویم. این طور نیست که انسان نابود شود؛ از جوی جستن و رفتن به یک مرحله‌ی دیگر است؛ و بعد در آن مرحله، مسئله‌ی حساب و کتاب و قیامت است.<sup>۲</sup> ما این مسیر زودگذر زندگی را به هر تقدیر طی می‌کنیم و به دروازه‌ی ورود به عالم دیگر قرار می‌گیریم؛ در اینجا ماندنی نیستیم. لحظه‌ی مرگ، لحظه‌ی شروع به سؤال و مؤاخذه است. از همان

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۴/۱۰۳/۱۳۸۸

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

لحظه‌ی اول از ما سؤال می‌کنند؛ چه کردید، چرا کردید، چگونه کردید؟<sup>۱</sup> دنیا برای فعالیت، کار، سازندگی، مبارزه و ساخته شدن به دست انسان‌هاست. همه‌ی این فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مبارزاتی و علمی و تحقیقاتی برای انسان لازم است. هرکس برحسب نوبت، فرصت و سهمی که دارد، باید کار خود را در این زمینه‌ها انجام دهد. در این شکی نیست؛ اما فراتر از همه‌ی این‌ها یک نکته‌ی معنوی و الهی است و آن این است که شما در مسئولیتی که بر عهده می‌گیرید؛ چه کار سیاسی باشد، چه کار علمی باشد، چه درس خواندن و درس دادن باشد، چه تحقیق و پژوهش باشد، چه ساختن و بنا کردن باشد و چه ویران کردن پایه‌های فساد و تباهی، باید یکی از این دو صورت باشید: کاری که می‌کنید شما را در آن سیر معنوی که اساس خلقت انسان برای آن است و بقیه چیزها مقدمه‌اند، یا پیش می‌برد و یا از آن بازمی‌دارد. یکی از این دو صورت است و شقی سوم ندارد. همه‌ی تلاش ادیان الهی و سلوک معنوی و سعی پیغمبران و شهدادت‌های مردان بزرگ خدا برای این است که بشر را به راه اول بکشانند و در صراط مستقیم قرار دهند. یعنی بشر به سمت خدا حرکت کند، عروج معنوی و کمال انسانی بیابد، با خدا آشنا

۱. بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳/۰۵/۲۵



شود و آینده‌ی خود را که همان مرحله‌ی اساسی حیات بعد از مرگ است و بقیه مقدمه‌ی آن است، تأمین کند. «الدنیا مزرعه الآخرة»؛ من و شما در اینجا برای حیات ابدی مقدمه چینی می‌کنیم.<sup>۱</sup>

وقتی انسان می‌داند که مرگ عبارت از عروج به ملکوت الهی و پیوستن به ارواح اولیاست، چه اهمیت می‌دهد که کی این مرگ فرا برسد؟ مرگ برای او، عبور از یک مرحله است؛ هرچه هست در یک لحظه است؛ بعد نعیم بی‌بدیل و بی‌مثال الهی است.<sup>۲</sup> یک خط فاصلی است بین این نشئه و آن نشئه؛ بعضی‌ها را با زنجیر از این خط فاصل عبور می‌دهند؛ آن‌هایی که چسبیده‌اند به زندگی دنیا، بعضی خودشان جست می‌زنند، خودشان را پرتاب می‌کنند؛ چرا؟ چون می‌بینند آنجا چه خبر است. وعده‌ی الهی را مشاهده می‌کنند. لذا شهدا از مرگ نمی‌ترسیدند، این‌ها عاشق زندگی بوده‌اند.<sup>۳</sup>

- 
۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۰۸/۱۰
  ۲. بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸
  ۳. بیانات در دیدار اقدار مختلف مردم آذربایجان، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸

## باور به استعداد های انسان

چهارمین نقطه‌ی اصلی این جهان بینی، عبارت است از استعداد بی پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه‌ی تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما بقیه‌ی موجودات این امکان را ندارند. «احسن تقویم» در آیه‌ی شریفه‌ی «لقد خلقنا الإنسان فی احسن تقویم»، معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ اینکه مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری‌ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد؛ تا آنجایی می‌رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست؛ یعنی می‌تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه‌ی این‌ها بالاتر برود. اگر بشر بخواهد این سیر را داشته باشد، جز با استفاده از امکانات عالم ماده ممکن نیست. این هم جزو مسلمات است؛ لذا می‌گوید «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً». بنابراین سیر تعالی و تکاملی انسان در خلأ نیست؛ با استفاده‌ی از استعداد های ماده است؛ بنابراین با هم سیر می‌کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی

او اثرمی‌گذارد، او در شکوفایی این اثرمی‌گذارد و پیشرفت‌های شگفت‌آور را به وجود می‌آورد.<sup>۱</sup> در اندیشه‌ی الهی اسلام همه‌ی هستی آفریده‌ی خداست و جلوه‌گاه علم و قدرت او و پوینده به سوی اوست و انسان برترین آفریده و جانشین اوست. انسان می‌تواند با استخراج گنجینه‌های استعداد که در نهاد اوست خود را و جهان را که برای او آفریده شده به زیباترین وجهی بسازد و بیاراید و با دو بال علم و ایمان به عروج معنوی و مادی نائل آید و می‌تواند با تضييع یا به انحراف کشاندن این استعدادها جهنمی از ظلم و فساد در جهان بیافریند.<sup>۲</sup>

### جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح

آخرین نقطه در این زمینه این است که از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بربرگرد هم ندارد. همه‌ی انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگ‌راه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش می‌تواند بروز کند. انبیا و اولیا این

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۲. بیانات در چهل‌دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، ۱۳۶۶/۰۶/۳۱

مردم گم‌گشته را مرتب از این کوه و کمر و دشت‌ها و کویرها و جنگل‌ها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه‌ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد؛ لیکن همه‌ی این تلاش‌ها اصلاً بر اساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه‌ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بروبرگرد ندارد. قطعاً در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند.<sup>۱</sup> مستکبران عالم هر چه می‌خواهند، بگویند؛ تظاهر به قدرت‌نمایی بکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش می‌برد، روزه‌روز در حال افزایش یافتن است. گذشت سال‌ها نمی‌تواند این امید را در دل‌ها از بین ببرد یا کم فروغ کند که در آینده‌ای که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد همه‌ی آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه خواهند چشید. حقانیت آن دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین در این است که همه‌ی آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هر چه تلاش کرده‌اند و بکنند، نخواهند توانست این

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

حرکت و این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقف کنند.

البته در کار خدا در زمین طفره نیست و کارها بر طبق روال طبیعی انجام می‌گیرد؛ اما طبیعت و فطرت عالم این است؛ که به سمت کمال برود و می‌رود.<sup>۱</sup> اینکه چه کسانی این راه را انتخاب کنند و با قدرت ببینند و چه کسانی از آن اعراض کنند و به خیرات آن نرسند، به اراده و خواست انسان‌ها بستگی دارد. خود آن‌ها هستند که سرنوشت و آینده‌ی خودشان را به دست خود انتخاب می‌کنند؛ لیکن این راه در مقابل انسان‌ها گذاشته شده است. سنت الهی هم بر این است که حرکت عمومی بشر، به سمت همین هدف‌های والا ترتیب داده شود. این چیزی است که به طور قهری و طبیعی، جامعه‌ی بشریت به سمت آن حرکت می‌کند.<sup>۲</sup>

شیاطین کار می‌کنند، اما طبیعت عالم و حرکت عالم به سمت حق است و این وجود دارد. همیشه دل‌هایی هستند که حقیقت عالم را می‌فهمند، معارف الهی و حقایق و اخلاق الهی به شکل‌های مختلف در عالم پراکنده می‌شوند.<sup>۳</sup> این یک

۱. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۳/۲۰.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۱۷.

نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.<sup>۱</sup> تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هراقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست.<sup>۲</sup> اگر همه‌ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع وزمینه‌ی ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد.<sup>۳</sup>

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷

۳. بیانات در دیدار روحانیون و وعاظ، در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۴/۰۳/۰۳

انقلاب اسلامی

## اهداف انقلاب اسلامی

[ ۲ ]

## منظومه‌ی اهداف

جهاد یک ملت وقتی معنا یافته و درخشندگی و ماندگاری پیدا می‌کند که اهداف تعریف شده‌ی مبارزات آن‌ها اهداف ارزشمند و والایی باشد.<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی با اهداف مشخص و روشنی که همه‌ی آن‌ها در متون اسلامی ریشه دارد، به وجود آمد<sup>۲</sup> و در ذات خود یک حرکت پیش‌رونده و پرشتاب به سمت این هدف‌های ترسیم شده است.<sup>۳</sup> این اهداف تعریف شده، منحصر به یک بخش از زندگی انسان‌ها نیست بلکه شامل زندگی مادی و معنوی مردم است. اسلام مردم خود را خوشبخت و سعادت‌مند می‌خواهد. حیات طیبه‌ی اسلامی، زندگی‌ای است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. البته آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از اینکه انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند.

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۸ / ۰۲ / ۱۳۸۴

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۹ / ۰۵ / ۱۳۹۰

۳. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳ / ۰۴ / ۱۳۹۰



حیات طیبه‌ی اسلامی شامل دنیا و آخرت است.<sup>۱</sup>

براین اساس اسلام خواهی، نجات از استبداد، استقلال و عدم وابستگی، کرامت بخشی به انسان، استکبارستیزی، دفاع از مظلوم، ساختن یک ایران آباد و آزاد با همه‌ی معانی آزادی، برخوردار از عدالت اجتماعی، ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در همه دستاوردها از جمله پیشرفت و اعتلای علمی و فنی گسترش این فضا در همه‌ی دنیای اسلام و ایجاد تمدن نوین اسلامی، از اهداف انقلاب بوده است.<sup>۲</sup> آرمان‌های نظام اسلامی که در حقیقت آرمان‌های اسلامی است یک منظومه دارای مراتب مختلف می‌باشد؛ بعضی اهداف غایی ترو نهایی ترو بعضی کوتاه مدت هستند.<sup>۳</sup>

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۸/۰۲/۱۳۸۴
۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۹/۰۵/۱۳۹۰- بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۲۲/۱۲/۱۳۷۹- بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام در مرقد مطهر، ۱۴/۰۳/۱۳۷۴- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴/۰۲/۱۳۸۷- بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱- بیانات در دیدار انجمن اهل قلم، ۰۷/۱۱/۱۳۸۱
۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۹/۰۵/۱۳۹۰

هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پایین تر از آن، انسان سازی است. هدف پایین تر از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی با همه‌ی مشخصات و آثار آن شامل استقرار شریعت اسلامی، عدالت، توحید و معنویت است.<sup>۱</sup> جامعه‌ای عادلانه و عادل و پیشرفته و معنوی جزو آرمان‌های درجه‌ی یک و برترین آرمان‌ها است. هدف از همه‌ی جریانات عظیم در انقلاب اسلامی که به هدایت الهی، از روز اول تا امروز پیش رفته است، عبارت بود از اینکه در این کشور و در این خانه‌ی اسلام، حیات طیبه‌ی اسلامی تحقق پیدا کند.<sup>۲</sup>

اسلام در پی ایجاد جامعه‌ای است که اولاً عادلانه اداره شود؛ یعنی مسئولان و مدیران جامعه به عدالت رفتار کنند؛ ثانیاً خود جامعه، جامعه‌ی عادلانه باشد- آحاد مردم هم نسبت به یکدیگر عدالت داشته باشند- و آنگاه جامعه، جامعه‌ی پیشرفته‌ای باشد. اسلام به هیچ وجه جامعه‌ای عقب افتاده در عرصه‌های مختلف از جمله مسائل علمی، سیاسی و تمدنی را بر نمی‌تابد.

اسلام همچنین در پی ایجاد جامعه‌ای معنوی است. در نظام اسلامی، جامعه،

۱. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳/۱۰۴/۱۳۹۰

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۶۸

هم عادلانه اداره می‌شود، هم درون خود جامعه‌ی عادلانی است، هم جامعه‌ی پیشرفته است، هم جامعه‌ای معنوی است؛ یعنی از معنویت سیراب است؛ معنویتی که موجب می‌شود انسان اهداف حقیرمادی و شهوات روزمره‌ی زندگی را اهداف بلند خود نشمارد؛ هدف‌های والاتر و بالاتری برای او مطرح باشد؛ ارتباط آحاد انسان، ارتباط دل‌ها با خدا، محفوظ باشد؛ این جامعه‌ی مورد نظر اسلام است. البته یک چنین جامعه‌ای برای جوامع مسلمان مسلمان بلکه حتی برای کشورهای غیرمسلمان الگوهم خواهد شد. سلامت در جامعه، صنعت و کشاورزی برتر، تجارت پربرونق، علم پیشرو، نفوذ فرهنگی و سیاسی در جهان و در منظومه‌ی سیاسی سلطه در عالم، همه جزو آرمان‌های اسلامی است. بنابراین وقتی می‌گوییم آرمان، ذهن به یک امر غیرقابل تعریفِ دور از دسترسی نرود؛ مجموعه‌ی این خواسته‌ها و هدف‌ها البته در درجات مختلف، منظومه‌ی آرمانی اسلام را تشکیل می‌دهد.

شما برای هرکدام از این‌ها که تلاش کنید، تلاش برای آرمان‌ها کرده‌اید. آن مجموعه‌ای که به عنوان نمونه در راه اقتصاد مقاومتی، در زمینه‌ی گسترش فرهنگ انقلابی و اسلامی در دنیای اسلام، در زمینه‌ی سیاسی و دیپلماسی، در زمینه‌ی سلامت تلاش می‌کند، این‌ها همه دارند کار آرمانی می‌کنند. آن کسی که همین تلاش

را در زمینه‌ی سیاسی و دیپلماسی دارد انجام می‌دهد، کارش آرمانی است.<sup>۱</sup> این اهداف عوض شدنی و تغییرپذیر نیستند لیکن در جهت حرکت به سمت این آن‌ها، سرعت‌ها قابل کم و زیاد شدن و شیوه‌ها و تدابیر قابل تغییر یافتن است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیش‌روندگی و پیش‌برندگی به سمت اهداف.<sup>۲</sup> اگر بخواهیم انقلاب با همان سرعت و شتاب و با همان اتقان و استقامت و درست در همان خط صحیح اسلام و بدون گرایش به چپ و راست حرکت کند، باید هدف‌هایی که برقله‌ی بلند آرزوهای ملت ما - بلکه ملت‌های اسلامی - می‌درخشند، همواره مقابل دیدگان ما باشد. باید تلاش خود را برای تحقق این هدف‌ها مضاعف کنیم و از مشکلات نهراسیم.

بزرگ‌ترین خطر این نیست که ما از رفتن بازمانیم، یا خسته شویم؛ بزرگ‌ترین خطر این است که چشم‌انداز ترسیم‌شده و هدف‌های تعریف‌شده را گم کنیم و نبینیم. نباید گذاشت غبارها و ابرها جلوی این هدف‌ها و آرمان‌ها را بگیرد.<sup>۳</sup> صیانت

۱. بیانات در دیدار دانشجویان در روز نوزدهم ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۲ / ۰۵ / ۰۶

۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰ / ۰۴ / ۱۳

۳. بیانات در مراسم بیعت جهادگران جهاد سازندگی سراسر کشور، ۱۳۶۸ / ۰۳ / ۱۲

از جهت‌گیری‌های اصلی مهم‌ترین چالش‌ها هر تحول عظیم اجتماعی است که هدف‌هایی دارد و به سمت آن هدف‌ها حرکت و دعوت می‌کند. این جهت‌گیری باید حفظ شود. اگر جهت‌گیری به سمت هدف‌ها صیانت نشده و محفوظ نماند، انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد.<sup>۱</sup>

### نسبت آرمان‌گرایی با واقع‌بینی

تعقیب اهداف و آرمان‌گرایی بدون ملاحظه‌ی واقعیت‌ها، به خیال‌پردازی و توهم خواهد انجامید. وقتی شما دنبال یک مقصودی، یک آرمانی حرکت می‌کنید باید واقعیت‌های اطراف خودتان را بسنجید و برطبق آن واقعیت‌ها برنامه‌ریزی کنید. بدون دیدن واقعیت‌های جامعه، تصور آرمان‌ها خیلی تصور درست و صحیحی نخواهد بود، چه برسد به دستیابی به آرمان‌ها.

البته باید واقعیت‌ها را به معنای واقعی کلمه دید، نه آنچه که به عنوان واقعیت‌ها می‌شود. در جنگ‌های روانی که امروز در دنیا معمول است، یکی از کارها القای واقعیت‌های غیرواقعی است؛ چیزهایی را به عنوان واقعیت‌ها می‌کنند که واقعیت ندارد. در تبلیغات گاهی یک واقعیتی را از آنچه که هست، چندین برابر بزرگ‌تر نشان

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی علیه السلام، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۸۹

می دهند؛ درحالی که بعضی از واقعیت های دیگر را اصلاً نشان نمی دهند. بنابراین آرمان ها با نگاه به واقعیت ها و نه آنچه که با شگردهای دشمنانه، به عنوان واقعیت به ما القاء می شود. قابل تحقق خواهند بود.<sup>۱</sup>

### رابطه ی «تکلیف مداری» با «دنبال نتیجه بودن»

آیا اینکه امام عجله الله تعالی فرجه فرمودند ما دنبال تکلیف هستیم به این معناست نباید به دنبال نتیجه نبود؟ چطور می شود چنین چیزی را گفت درحالی که خود امام بزرگوار با آن شدت و حدّت در سنین کهولت، این همه سختی ها را دنبال کرد برای اینکه نظام اسلامی را بر سر کار بیاورد و موفق هم شد. معنای تکلیف گرایی این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه ی مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند و کار نامشروع و برخلاف تکلیف انجام ندهد؛ و الا تلاشی که پیغمبران و اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بود. البته آن کسی که برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل می کند، اگر به نتیجه ی مطلوب خود هم نرسید احساس پشیمانی نمی کند بلکه خاطر جمع است که تکلیفش را انجام داده. اگر انسان برای رسیدن به

۱. بیانات در دیدار دانشجویان در روز نوزدهم ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۲ / ۰۵ / ۰۶

نتیجه، بر طبق تکلیف عمل نکرد، وقتی به هدف نرسید، احساس خسارت خواهد کرد؛ اما آن کسی که تکلیف و مسئولیت خود را به صورت شایسته و بایسته با واقعبینی و برنامه‌ریزی، انجام داده ولو به نتیجه نرسید احساس خسارت نمی‌کند. بنابراین، تصور اینکه معنای تکلیف‌گرایی بی‌توجهی به نتیجه است، نگاه درستی نیست.

براین اساس در دفاع مقدس و همه‌ی جنگ‌هایی که در صدر اسلام، زمان پیغمبر یا بعضی از ائمه علیهم‌السلام بوده است، کسانی که وارد میدان جهاد فی سبیل الله می‌شدند، برای تکلیف حرکت می‌کردند؛ اما آیا معنای این احساس تکلیف این بود که به نتیجه نیندیشند؟ راه رسیدن به نتیجه را محاسبه نکنند؟ اتاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه‌ریزی و تاکتیک و اتاق فرمان و لشکر و تشکیلات نظامی نداشته باشند؟ تکلیف‌گرایی هیچ منافاتی با دنبال نتیجه بودن و برنامه‌ریزی بر طبق راه‌های مشروع برای تحقق هدف ندارد.<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی

**فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی**

[ ۳ ]



فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی یک زنجیره‌ی مستمر و منطقی و یک فرآیند طولانی و دشوار است.<sup>۱</sup>

## انقلاب اسلامی

قدم اول و شروع این فرآیند از انقلاب اسلامی است. انقلاب برخلاف برداشت‌های غلط از آن، صرفاً به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی نیست؛ انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی.

هر تحول، شورش و تهییج عام به معنای انقلاب نیست بلکه انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود.<sup>۲</sup> بر این اساس منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و الا به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل می‌شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع، قدیمی، وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده

۱. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۲. بیانات دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰/۰۹/۱۲.

می‌کند.<sup>۱</sup> این قدم نسبت به مراحل بعد پرهیجان‌تر بوده و به آسانی به دست نیامد.<sup>۲</sup> لیکن نسبت به مراحل بعدی آسان‌ترین است.<sup>۳</sup> صدها شرط و موقعیت باید در کنار هم قرار گیرند تا حادثه‌ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد. این‌طور نبود که در هر زمانی، در هر شرایطی، در هر کشوری، چنین حادثه‌ای بتواند پیش بیاید. در تاریخ ما، در وضع زندگی ما، در مردم ما، در ارتباطات اجتماعی ما، در اعتقادات ما، در وضع حکومت ما، در وضع جغرافیایی ما، در ارتباطات سیاسی و اقتصادی عالم، آن‌قدر حوادث فراوان کنار هم قرار گرفت تا شرایط آماده شد برای این‌که انقلاب اسلامی به وجود آید و پیروز شود. این شرایط، آسان به دست نمی‌آید؛ امر بسیار مستبعدی است.<sup>۴</sup>

۱. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۱۰۷/۲۴

۲. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

۳. همان

۴. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۷۹/۰۹/۱۲

## نظام اسلامی

حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را پیاده کردن؛ یعنی اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه<sup>۱</sup> و تعیین منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور.<sup>۲</sup> مثل این‌که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته، برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ که تحقق آن در همین شکل کلی است که قانون اساسی معین کرده.<sup>۳</sup>

منظور از نظام اسلامی آن هویت کلی است که تعریف مشخصی داشته و مردم آن را انتخاب کرده‌اند، یعنی جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش‌های اسلامی همراه است.<sup>۴</sup> در نظامی که براساس انقلاب به وجود آمد از شرق و غرب الگو نگرفتیم. این نقطه‌ی

۱. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

۳. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

۴. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

بسیار مهمی است. ما نمی توانستیم از کسانی الگو بگیریم که نظام های آن ها را غلط و برخلاف مصالح بشریت و باطل می دانستیم.<sup>۱</sup>

ما از این حلقه هم عبور کردیم.<sup>۲</sup> قانون اساسی تنظیم شد؛ آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد؛ مردم سالاری دینی برای مملکت حاکم شد و مردم مسئولان کشور را - از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسئولان - مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می کنند. دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. حرکت مردم به سمت اهداف و آرمان های دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است و تحقق پیدا کرد؛ لیکن کافی نیست. برای تحقق کامل مراحل بعد احتیاج است که دستگاه حاکمه ی کشور در عمل خود، در سازمان دهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند.<sup>۳</sup>

۱. بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳

۲. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۳. نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

## دولت اسلامی

قدم بعدی که از مراحل گذشته دشوارتر است ایجاد دولت اسلامی به معنای حقیقی<sup>۱</sup> یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه‌ی اسلامی است.<sup>۲</sup> منظور از دولت در اینجا، فقط قوه‌ی مجریه نبوده بلکه مقصود دولت به معنای عام و مجموع دستگاه‌های مدیریتی و نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور<sup>۳</sup> و مجموعه‌ی کارگزاران حکومت<sup>۴</sup> می‌باشد.

قوای مقننه و قضائیه و مهریه و مسئولان گوناگون در نظام اسلامی باید بتوانند تا حدّ قابل قبولی خود را با قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند.<sup>۵</sup> افرادی متصدی امور شوند که ضوابط و شرایط دولتمرد اسلامی را دارا هستند و اگر در این زمینه ناقصانند خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش

۱. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱،

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲،

۳. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴،

۴. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱،

۵. همان

ببرند.<sup>۱</sup> نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند، می‌طلبد.<sup>۲</sup> این مرحله‌ی سوم است؛ ما الآن در این مرحله قرار گرفته‌ایم.<sup>۳</sup>

## کشور اسلامی

بعد از این مرحله، مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی است، یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی.<sup>۴</sup> اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد.<sup>۵</sup> تعهد دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌ها و

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲
۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸
۳. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱
۴. همان
۵. نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و میرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم.<sup>۱</sup> کشور اسلامی مرحله‌ی تالو و تشعشع نظام اسلامی است.<sup>۲</sup>

## تمدن اسلامی

وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد و فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت.<sup>۳</sup> هدف ملت ایران و انقلاب

۱. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۹۰

۲. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۰۹ / ۱۳۸۰

۳. نماز جمعه تهران، ۲۸ / ۰۵ / ۱۳۸۴

اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است<sup>۱</sup> با تحقق مرحله‌ی کشور اسلامی برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید؛ **لتكونوا شهدا علی الناس**.<sup>۲</sup>

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛<sup>۳</sup> تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۴</sup>

۱. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۲. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

۳. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴

۴. پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۰۹/۱۷



انقلاب اسلامی

## موانع انقلاب اسلامی

[ ۴ ]

چشم انداز حرکت ملت ایران چشم انداز بسیار روشنی است و این شاء الله این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه های تمدن اسلامی را در این کشور؛ بلکه در همه ی کشورها و جوامع اسلامی، مستحکم کند.<sup>۱</sup> اما این راه، مثل همه ی راه های مهم که به سمت هدف های بزرگ کشیده شده است، چالش ها و موانعی دارد که باید آن ها را بشناسیم تا بتوانیم از آن ها عبور کنیم.<sup>۲</sup>

## ماهیت موانع

اولین نکته مهم این است که وجود موانع جزو سنت های الهی بوده و تصادفی نیست. یعنی تلاش و حرکت با مانع مواجه است<sup>۳</sup> و اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی می بخشد؛ اگر مانع نبود، جهاد معنی نداشت.<sup>۴</sup> در همه ی دعوت های انبیا، دشمنان و موانعی از جن و انس وجود داشتند؛ «و كذلك

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶ / ۰۲ / ۰۶

۲. بیانات در مراسم رحلت حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۳

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب، ۱۳۷۷ / ۱۲ / ۱۵

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های شیراز، ۱۳۸۷ / ۰۲ / ۱۴

جعلنا لكلّ نبيّ عدوّاً شياطين الانس و الجنّ يوحى بعضهم الى بعض زخرف القول غروراً». وجود طبقاتی در درون جوامع که مایه‌ی فساد و مکر بوده‌اند؛ جزو سنت‌های الهی است. «و كذلك جعلنا في كلّ قرية اكار مجرميها ليمكروا فيها و ما يمكرون الا بانفسهم».

اما متقابلاً سنت الهی بر این قرار گرفته که اگر حرکت نبوی و الهی - که انقلاب اسلامی مصداق آن است - به کار خود ادامه بدهد، بر همه‌ی موانع فائق خواهد آمد؛ این هم سنت الهی است؛ «و لوقاتکم الذین کفروا لولوا الادبار ثمّ لا يجدون ولیّ و لا نصیراً. سنّة الله الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلاً»؛ اگر بایستید، اگر استقامت کنید، اگر هدف را گم نکنید، اگر تلاش را متوقف نکنید، بدون تردید غلبه در این عرصه با شماست.<sup>۱</sup> «من كان لله كان الله له»، هرکس برای خدا کار کند، خدا هم تمام امکانات و علم و قدرت خودش و سنت‌های آفرینش را در خدمت او قرار خواهد داد. «و لينصرنّ الله من ينصره»؛ این جمله‌ی عجیبی است. «ل» قسم و «ن» تأکید. حتماً خدا کسانی را که او را نصرت کنند، بدون شک نصرت خواهد کرد.<sup>۲</sup>

۱ همان

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

## دسته بندی دشمنان و موانع

ما در مسیر انقلاب دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی؛<sup>۱</sup> در آسیب شناسی انقلاب، باید نقش عوامل درونی و بیرونی، هر دو ملاحظه بشود. البته اینجا دو افراط وجود دارد؛ یکی این که عوامل بیرونی را عمده کنیم و از عوامل درونی غافل بمانیم و به عکس.<sup>۲</sup>

### الف. دشمن بیرونی

دشمن بیرونی عبارت است از قدرت های سلطه طلب جهانی که برای تحقق مقاصد خود حاضرند همه ی دنیا را به خاک و خون بکشند و جنگ های خونین راه بیندازند.<sup>۳</sup> دشمنان بیرونی کسانی هستند که نگاه می کنند، می بینند ایران اسلامی در حال تبدیل شدن به یک الگودر دنیای اسلام است و آن ها نمی خواهند این طور شود. می دانند که اگر جمهوری اسلامی بتواند مسائل زندگی و مادی را برطرف کند و به زندگی مردم رونق و شکوفایی بخشد، آنگاه مسلمان ها گرم و گیراتر به سمت این الگو

۱ همان

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

۳. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

حرکت می‌کنند. لذا مرتب مانع ایجاد می‌کنند.<sup>۱</sup>

دشمن بیرونی هدف ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمنی یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی آمریکا.<sup>۲</sup> چالش بیرونی ما مزاحمت‌های استکبار جهانی است؛ مزاحمت‌های آمریکا است.<sup>۳</sup>

### اشاره‌ای به معنای استکبار

در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه‌ی قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

۳. بیانات در مراسم رحلت حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۳/۰۳/۱۴

توانایی‌های سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض‌آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی یعنی ملت‌ها و دولت‌ها و کشورها را با سیطره‌ای قلدرانه و تحقیرآمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آن‌ها دخالت و به ثروت آن‌ها دست‌اندازی می‌کند؛ به دولت‌ها زور می‌گوید و به ملت‌ها ستم می‌ورزد و به فرهنگ‌ها و سنت‌های آنان، اهانت روا می‌دارد. مثال‌های بارز آن را استعمار کهن و سپس استعمار نو و اخیراً تهاجم همه‌جانبه‌ی سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی و حتی نظامی، از سوی استعمارگران دیروز و وارثان آن‌ها، در برابر چشم ملت‌های ما نهاده و طعم تلخ آن را به ایشان چشانده است. قدرت‌های غربی در این تهاجم مؤثر، از پیشرفت علم و تکنولوژی و از برخی خصال ملی و بومی خود بهره برده‌اند.<sup>۱</sup>

### چهار علت دشمنی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی

همه‌ی کسانی که به نحوی از انقلاب یا از هدف‌های انقلاب متضرر می‌شدند، جلوی انقلاب ایستادند. از امنیت یک عده‌ای متضرر می‌شوند، از عدالت یک عده‌ای متضرر می‌شوند، از نفی حاکمیت طاغوت یک عده‌ای متضرر می‌شوند، از نفی سلطه‌ی بیگانه یک جماعتی متضرر می‌شوند، از نفی استبداد یک عده‌ای

۱. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸

متضرر می‌شوند. این‌ها همه در مقابل انقلاب صف کشیده‌اند. انحصارطلبان جهانی از یک طرف، اشرار داخلی از یک طرف، توطئه‌های ابرقدرت‌ها از یک طرف، دست اغواگر تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی آن ابرقدرتی که دستش از ایران با انقلاب اسلامی کوتاه شده بود از یک طرف - یعنی آمریکا که تا امروز هم ادامه دارد - این‌ها همه در مقابل این حرکت عظیم ملت ایران ایستادند.<sup>۱</sup> در باب علل دشمنی استکبار جهانی با انقلاب و جمهوری اسلامی، نهضت بیداری اسلامی و پیروزی اسلام در کشورها، چند مورد مهم‌تر را تبیین می‌کنیم:

در درجه‌ی اول مسئله‌ی تفکیک نشدن دین از سیاست است. جمهوری اسلامی عملاً اثبات کرد و نشان داد که دین در صحنه‌ی زندگی انسان‌ها دخالت دارد و فقط برای عبادت انسان‌ها در کنج معبدها نیست. دین اسلام بلکه همه‌ی ادیان الهی، سیاست، علم و مسائل اجتماعی را در متن خود داشته و صحنه‌ی زندگی مردم و عرصه‌ی مسائل عظیم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، در قلمرو احکام مقدّس اسلامی است. نمی‌شود کسی به بخشی از دین معتقد و عامل بوده و به بخشی دیگر نباشد. این، مسئله‌ی اول و مهم‌ترین خصوصیتی است که استکبار با آن مخالفت

می‌کند. آنجایی که دین وارد میدان سیاست شده و به امور اساسی حیات جهان و زندگی دنیوی مردم می‌پردازد، استکبار جهانی ظاهر می‌شود چراکه در این وضع دین را مقابل زورگویی‌ها و سوءاستفاده‌ها و مانع چپاول‌هایشان از منابع طبیعی و انسانی جهان اسلام می‌بینند. این از اساسی‌ترین مسائل است. در گذشته، به این معنا تصریح نمی‌کردند؛ اما امروز، به صراحت می‌گویند که باید دین را از سیاست جدا کنید! و در نتیجه بگذارید در رأس سیاست کشورهای اسلامی، کسانی باشند که بشود با آن‌ها معامله کرد. بشود آن‌ها را وادار به صرف نظر کردن از مصالح ملت‌ها کرد. بشود نفوذ سیاسی خود را، به وسیله‌ی آن‌ها، در کشورها گسترش داد. پیداست کسی که با انگیزه‌ی دینی و برای رضای خدا در کرسی و عرصه‌ی سیاست حضور پیدا می‌کند، زیر بار قدرت‌ها نمی‌رود. این، اساسی‌ترین مسئله است.

مسئله‌ی دوم، تأثیرناپذیری از خواست قدرت‌های بزرگ است. از دیدگاه امریکا و مستکبرین، یکی از جرم‌های بزرگ جمهوری اسلامی ایران این است که در مسائل جهانی، تحت تأثیر نظر امریکا و امثال امریکا قرار نمی‌گیرد. یک مثال واضحش، مسئله‌ی فلسطین است. روی کشورهای عرب و بسیاری از کشورهای اسلامی فشار آوردند که مسئله‌ی فلسطین را ندیده بگیرند و متأسفانه بسیاری از دولت‌ها هم تحت



تأثیر این فشار قرار گرفتند و آن را قبول کردند؛ اما جمهوری اسلامی، حرف صریح خود را در یک جمله‌ی رسا و روشن بیان کرده است که همه‌ی منصفین عالم، آن را قبول می‌کنند. آن جمله این است که «فلسطین متعلق به مردم فلسطین است.» دولت غاصب صهیونیست، باید بساط خود را جمع کند. یهودی‌ها می‌توانند در فلسطین بمانند، اما حکومت در فلسطین، متعلق به ملت فلسطین و فلسطینی‌هاست. امام راحل، بارها این موضع را اعلام کرده‌اند و این نظر قطعی جمهوری اسلامی ایران است.

مسئله‌ی دیگر، حمایت معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی از همه‌ی کسانی است که در راه اسلام و حاکمیت اسلامی تلاش کرده و در هر جای دنیا برای عزت اسلام قیام کنند. دشمنان انقلاب می‌گویند چرا انقلابتان را صادر می‌کنید؟ ما در جواب دشمن می‌گوییم انقلابمان را صادر نمی‌کنیم. انقلاب ما صادر شد و گذشت و تمام شد! شما در مقابل یک عمل انجام‌شده قرار دارید. صدور انقلاب به معنای صدور یک کالا نیست که به‌طور دائم، آن هم به وسیله‌ی اشخاص بخواهد ادامه داشته باشد. صدور یک فکر و یک اندیشه، به معنای آن است که آن اندیشه، صحیح است و دل انسان‌ها را در اکناف عالم، به خود جذب می‌کند. این کار انجام

گرفت و روزه روز آثارش را در دنیا نشان می دهد. انقلاب اسلامی هر گروه مسلمانی را که در هر نقطه‌ی عالم تفکر اسلامی را احیا می کند، قبول داشته و حمایت می کند. دفاع از ملت های مظلوم و مسلمان از مسائلی است که دشمن را خشمگین می کند. از دیگر مسائل این است که ما با تحمیل فرهنگ غرب بر ملت های مسلمان، مخالفیم. فرهنگ غرب، فرهنگی است که در عین برخورداری از نقاط مثبت، نقاط منفی هم دارد. ما معتقد به تبادل فرهنگ ها هستیم. ما می گوئیم ملتی مثل ملت ایران، یا دیگر ملل مسلمان، باید در میان فرهنگ های عالم نگاه کنند و آنچه را که برایشان مفید و به درد بخور است، جذب و از آن استفاده کنند. آنچه را هم که از این فرهنگ ها برایشان لازم و مفید نیست باید طرد کنند؛ اما دولت های غربی، سردمداران نظام های استکباری و بخصوص نظام امریکا، اصرار دارند با انواع و اقسام طرق، فساد و بی بندوباری را که جزو خصوصیات فرهنگ غربی است، به ملت های مسلمان و کشورهای اسلامی تزریق و تحمیل کنند. ما با این روش ها، که مختص امروز هم نیست و در تاریخ معاصر، مسبوق به سابقه است، مخالفیم. ما می گوئیم چرا شما آن روشی را که خودتان درباره ی زنان انتخاب کردید و صد درصد به زیان آنان و منافع جوامع و مصالح انسانیت و برخلاف عقل سلیم و منطق درست است، می خواهید به ملت های

دیگر تحمیل کنید؟! شما برای این منظور، از وسایل تبلیغاتی و طرق گوناگون استفاده می‌کنید. ما با این مخالفیم؛ و این از جمله مواردی است که سردمداران استکباری را خشمگین می‌کند.<sup>۱</sup>

### ب. دشمن درونی

دشمن درونی یعنی خصلت‌های بدی که در ما انقلابیون است.<sup>۲</sup> بزرگ‌ترین دشمن این راه عبارت است از دشمنی که در درون خود ماست.<sup>۳</sup> خطرناک‌تر از همه‌ی دشمن‌ها هم همین است. پیغمبر سخت با این دشمن مبارزه کرد؛ البته مبارزه‌ی با این دشمن، به وسیله‌ی شمشیر نیست؛ بلکه با تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است. لذا وقتی که مردم با آن همه زحمت از جنگ برگشتند، به ایشان فرمود شما از جهاد کوچک تر برگشتید، حالا مشغول جهاد بزرگ‌تری یعنی جهاد با نفس خودتان شوید. اینکه قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» منظور ضعف‌های اخلاقی،

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۰۳/۱۳۷۲

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۵/۱۲/۱۳۷۷

- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۰۱/۰۱/۱۳۸۶

۳. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۲/۱۲/۱۳۸۰

شخصیتی، هوسرانی و میل به خودخواهی‌های گوناگون است؛ که اگر جلوییش را نگیری و خودت با آنها مبارزه نکنی، ایمان را از تو خواهد گرفت و تورا از درون پوک خواهد کرد. وقتی ایمان را از تو گرفت، دل تویی ایمان و ظاهر تو با ایمان است؛ «ثم کان عاقبة الذین اساءوا السواءى ان کذبوا بايات الله».

خطر بزرگ برای جامعه‌ی اسلامی این است؛ هر جا که در تاریخ می‌بینید جامعه‌ی اسلامی منحرف شده، از این جا منحرف شده است. ممکن است دشمن خارجی بیاید، سرکوب کند، شکست دهد و تار و مار کند؛ اما نمی‌تواند نابود کند بالاخره ایمان می‌ماند و در جایی سر بلند می‌کند و سبزمی شود؛ اما آن جایی که این لشکر دشمن درونی به انسان حمله کرد و درون انسان را تهی و خالی نمود، راه منحرف خواهد شد. هر جا انحراف وجود دارد، منشأش این است.<sup>۱</sup>

ضعف‌های فکری و عقلانی،<sup>۲</sup> خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود و به ملت خود،<sup>۳</sup> آلوده شدن به

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

۲. همان

۳. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

شهوات، حرص به دنیا، دل بسته شدن به منافع فردی، مرعوب دشمنان بیرونی شدن، ناامیدی، مأیوس شدن از وعده‌ی الهی و تحقق آرمان‌های الهی،<sup>۱</sup> راحت‌گرایی، غفلت‌گرایی، تنبلی‌گرایی، آسان‌گرایی و تمایل به پرهیز کردن از میدان‌های دشوار، تمایلات انحرافی،<sup>۲</sup> ضعف ایمان،<sup>۳</sup> غفلت از روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار، اشتباه در شناخت دشمن اصلی و فرعی و دوست، سرگرم شدن به اختلافات فرعی و سطحی<sup>۴</sup> از جمله‌ی دشمنان درونی است. این دشمن درونی، البته خطرناک‌تر از دشمن بیرونی است.<sup>۵</sup>

### لزوم مبارزه با دشمن درونی

اگر ملتی این بیماری‌ها را داشته باشد، پیشرفتش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹
۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵
۴. بیانات در مراسم رحلت حضرت امام خمینی رحمته الله، ۱۳۹۳/۰۳/۱۴
۵. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

نخواهد رفت؛ این‌ها مثل موریانه‌ای که در درون پایه‌ی بنا بیفتد.<sup>۱</sup> همه‌ی همّت انبیا و اولیا و اوصیا و صالحین و صدّیقین، این بوده است که انسان، دشمنِ درونیِ خود را که نفسِ اماره‌ی اوست، کشف کند و از آن بپرهیزد.<sup>۲</sup>

اگر ما این آسیب‌های درونی را علاج نکنیم، آن آسیب‌های بیرونی، مشکلی برای ما به وجود نخواهد آورد.<sup>۳</sup> انسان اوّل در دلِ خود شکست می‌خورد و هزیمت می‌کند، بعد هزیمت او در جبهه‌ی بیرونی آشکار می‌شود.<sup>۴</sup> واقعاً اگر ما در درون خودمان، ساخت درونی محکم باشد، هیچ مشکل بیرونی نخواهد توانست بر ما فائق بیاید.<sup>۵</sup> از دشمن بیرونی، آن وقتی که ما سلامت معنوی خودمان را حفظ کردیم، راهی را که اسلام و جمهوری اسلامی به ما نشان داده، پیش رفتیم و از آن راه منحرف نشدیم، مطلقاً ترسی نداریم؛ به ما آسیبی نمی‌زند؛ نمی‌تواند آسیب بزند.<sup>۶</sup> همه‌ی کسانی که

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱
۲. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵
۴. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹
۵. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۰۶/۱۸
۶. دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

در جبهه‌های عظیم مثل جبهه‌ی انقلاب اسلامی به دشمن پشت کرده و فرار می‌کنند، اوّل در جبهه‌ی دل خود شکست می‌خورند. یا مرعوب می‌شوند یا مجذوب جلوه‌های دنیا یا آلوده به شهوات می‌گردند یا پول و مقام آن‌ها را فریب می‌دهد و یا چهره‌ی چاپلوس دشمن دچار گمراهی‌شان می‌کند. انسان اوّل در دل خود شکست می‌خورد و هزیمت می‌کند، بعد هزیمت او در جبهه‌ی بیرونی آشکار می‌شود.<sup>۱</sup>

قرآن به‌طور صریح در این زمینه با ما حرف می‌زند؛ می‌گوید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مَغْتَبًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ نعمتی که خدا به شما داد، محال است از شما بگیرد، مگر شما شرایط خودتان را عوض کنید. چون نعمت الهی، بی حساب و کتاب نیست؛ خدا تحت شرایطی نعمتی را به کسی می‌دهد. اگر آن شرایط را حفظ کردید، محال است که نعمت، از بین برود و پس گرفته بشود.<sup>۲</sup>

قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ اسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا». نباید اسراف، زیاده‌روی، کوتاهی‌ها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آن‌ها باشیم؛ اما این نباید ما را از عامل

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱۰/۰۱

تشدیدکننده‌ی اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه‌ی شریفه که به ما تعلیم می‌دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله می‌فرماید: «وَتَّبِعْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. اوست که از اشتباهات شما حدّ اکثر بهره را می‌برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می‌کند. در داخل کشور ممکن است خیلی از چیزها به‌طور طبیعی زمینه داشته باشد. فرض کنید فساد و رواج فساد در بخش‌هایی - چه بخش‌های دولتی و چه بخش‌های غیردولتی - یا آلودگی‌های شهوانی در بین بعضی از مردم یا بخش‌هایی از جوانان ممکن است وجود داشته باشد - زمینه‌های طبیعی هم دارد - اما وقتی که دشمن به فکر این است که یک ملت را زمین‌گیر کند، همین عوامل ابزاری در دست دشمن می‌شود و آن‌ها را تشدید می‌کند.<sup>۱</sup>



انقلاب اسلامی

اهمیت حفظ انقلاب اسلامی

[ ۵ ]

## حفظ انقلاب؛ حفظ اسلام

تداوم انقلاب و حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی و اهمّ تکلیف‌هایی است که خدا دارد؛ از نماز اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه این حفظ اسلام و نماز فرع اسلام است. حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر - ولو امام عصر باشد - اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را برای اسلام فدا می‌کند. همه انبیا که از صدر عالم تا حالا آمدند، برای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خودشان را فدا کردند. پیامبر اکرم آن همه مشقات را کشید و اهل بیت معظم او آن همه زحمات را متکفل شدند و جانبازی‌ها را کردند؛ همه برای حفظ اسلام است.<sup>۱</sup>

بر همین اساس امام علیه السلام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را واجب واجبات می‌دانست و نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجب‌ها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت از اسلام به معنای حقیقی کلمه - وابسته‌ی به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است و جمهوری اسلامی مظهر حاکمیت اسلام است.<sup>۲</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۶۵، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۸۶

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی علیه السلام، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۸۹

این حفظ کردن را می‌توان با یک تفسیر محافظه‌کارانه معنا کرد؛ اما حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چون انقلاب در ذات خود یک حرکت پیش‌رونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب به سمت هدف‌های ترسیم‌شده. هدف‌هایی که عوض نمی‌شوند و تغییرپذیر نیستند هرچند در جهت حرکت به سمت این اهداف، سرعت‌ها قابل کم‌و زیاد شدن و شیوه‌ها و تدابیر قابل تغییر یافتن است. در این جهت، انقلاب پیش‌رونده و پیش‌برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیش‌روندگی و پیش‌برندگی<sup>۱</sup>.

## لوازم صیانت از انقلاب

برای حفاظت و صیانت از انقلاب اسلامی سه لازمه‌ی مهم وجود دارد: اول شناخت درست و عمیق از مبانی نظری انقلاب اسلامی است. کسانی که تنها با احساسات و بدون تکیه‌گاه نظری مستحکم وارد این میدان شدند، با یک تندباد سرنگون‌گردیده و راهشان عوض شد. کسانی می‌توانند در این حرکت و

۱. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳/۱۰۴/۱۳۹۰

مسیر محکم بایستند که شناخت عمیقی از مبانی نظری انقلاب داشته باشند.<sup>۱</sup> باید انقلاب را با همه‌ی وجود و تا اعماق جان نفوذ و رسوخ داد و مفهوم انقلاب و مبانی فکری آن را ازین دندان درک کرد.<sup>۲</sup> لغزش خیلی از افراد در تاریخ انقلاب، از همین عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی ناشی بود. شعائر و شعارهایی بر زبانشان بود، اما در دلشان عمق نداشت. لذا تاریخ انقلاب شاهد کسانی است که در ابتدا آدم‌های خیلی تند و داغ و پُرشوری بودند، اما بعد وضعشان صد و هشتاد درجه عوض شد. ابتدا افرادی مثل شهید بهشتی را راحت و صریح از نظر انقلابی بودن و فهم درستش از انقلاب و از راه امام، نفی می‌کردند؛ بعد از گذشت مدتی، مشی خودشان چنان شد که مبانی انقلاب و نظام را انکار کردند! بعضی از آن‌ها که آدم‌های باانصاف‌تری بودند، صریحاً و بعضی‌شان ملتویاً و مزوراً انکار کردند. البته عدم تعمق در دین و مبانی انقلاب یکی از عوامل لغزش و ریزش است؛ یک عامل هم شهوات و دنیاطلبی و امثال این‌هاست که کسانی را هم که عمق دارند، منحرف می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام در مراسم میثاق پاسداری، ۱۳۹۲ / ۰۳ / ۰۶

۲. بیانات در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۶۸ / ۰۸ / ۱۰

۳. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴ / ۰۷ / ۱۷

دوم شناخت تاریخ انقلاب اسلامی یعنی شناخت عینیت این نظریه و تجربه‌ی عملی آن است. این انقلاب مثل خیلی از حرف‌های دیگری که در دنیا معمول است، صرف ادعا نیست؛ یک دامنه‌ی وسیعی از تجربه و عمل در مقابل آن است. این انقلاب آزموده و تجربه شده است. مبانی انقلاب در میدان عمل، صدق خود را ثابت کرده است. اگر امام عزیز ما به ما یاد می‌داد که به خدا توکل کنیم، اعتماد کنیم، حسن ظن داشته باشیم، تلاش کنیم و می‌گفت اگر این کار را بکنید، پیروز خواهید شد، این اتفاق افتاد؛ همچنان که در صدر اسلام اتفاق افتاد و امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام در نهج البلاغه فرمود: «فلما رأى الله صدقنا انزل بعدونا الكبت و انزل علينا النصر»<sup>۱</sup>. ملت ایران صدق خود را نشان داد؛ وارد میدان شد و در میدان عمل، این فکر و اندیشه و این مبانی نظری تجربه شد؛ این را باید در تاریخ انقلاب دید.

چرا دشمنان در تبلیغات خود تلاش می‌کنند نقطه ضعف‌های کوچک ما را در چشم خودمان - چه برسد در چشم دیگران - ده برابر بزرگ کنند؟ برای این است که همین تجربه را از یاد ما ببرند؛ برای اینکه فراموش کنیم که مبانی نظری ما تجربه شده است و در میدان عمل، خودش را ثابت کرده است. با آگاهی از تاریخ

انقلاب می‌توان این نتیجه را به دست آورد.<sup>۱</sup> تاریخ انقلاب شامل اجزا و عناصری گران بهاست که در جهان مادی کنونی، همچون حادثه‌ای معجزنشان و الهی، در کار دگرگون‌سازی جهان و تغییر مسیر انسان‌هاست. هرگذشت و ایثار کوچک و بزرگی که از یکی از فرزندان انقلاب در لحظه‌ای از لحظات سرزده یا می‌زند، در تکوین این ماجرای بزرگ و بی‌نظیر یعنی دوران بی‌نظیر انقلاب اسلامی دارای تأثیری حتمی و حقیقی است و تاریخ انقلاب، مجموع همین لحظه‌هاست.<sup>۲</sup>

توصیه‌ی به مطالعه خاطرات مربوط به دوران دفاع مقدس و عملیات‌هایی مثل عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر نیز به همین جهت است. باید تأمل شود در اینکه که بودند و چه کار کردند تا خدای متعال «انزل بعدوننا الکبت» و «انزل علینا النصر».<sup>۳</sup> از همین رویکی از کارهای فرض و واجب، مطالعه‌ی تاریخ جنگ است؛ باید از آنچه که در دوران هشت سال دفاع مقدس در ایران اتفاق افتاده، مطلع بود.<sup>۴</sup>

۱. بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام در مراسم میثاق پاسداری، ۱۳۹۲ / ۰۳ / ۰۶
۲. پیام به گردهمایی جانبازان، در روز میلاد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، ۱۳۶۹ / ۱۱ / ۳۰
۳. بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام در مراسم میثاق پاسداری، ۱۳۹۲ / ۰۳ / ۰۶
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷ / ۱۲ / ۱۵

البته منظور از تاریخ انقلاب فقط تاریخ پیروزی آن نیست بلکه شامل تاریخ شروع نهضت نیز هست. حقیقت این است که جامعه‌ی ما از قضاایای طولانی این نهضت از روز شروع تا پیروزی، به تفصیل مّطلع نیستند. از قضاایای بعد از پیروزی هم گاهی به وسیله‌ی بعضی افراد، مختصر سخنی گفته می‌شود؛ اما به طور کامل و جامع و ریز، بخصوص با شکل‌های هنری و ماندگار و نافذ، ثبت نشده، یا خیلی کم ثبت شده است.<sup>۱</sup> واقعاً روزه‌روز تاریخ انقلاب ما عبرت است؛ روزه‌روز این سال‌های پرتحرک و پرتلاش که انقلاب اسلامی در ایران شروع شد، می‌تواند به صورت یک نشانه‌ای، یک تابلویی، در مقابل چشم ملت‌ها قرار بگیرد و مایه‌ی عبرت باشد.<sup>۲</sup> در مقوله‌ی خاطرات و تاریخ جنگ نیز این حجم کاری که انجام شده، در مقابل آنچه که باید انجام بگیرد، هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت، بسیار کمتر از آن چیزی است که باید باشد.<sup>۳</sup>

سومین نقطه هم تربیت خود به عنوان انسان صالح است. همه باید خودشان را

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۵/۱۱/۱۲

۲. بیانات در سالروز میلاد نبی اکرم ﷺ، ۱۳۹۰/۱۱/۲۱

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از رزمندگان دوران دفاع مقدس، ۱۳۸۵/۰۷/۲۹

تربیت کنند. البته این کار برای جوانان آسان تر است چراکه با وجود آمادگی، نورانیت و پاکی دل در جوانی راحت ترمی توان خود را با الگوی مورد تحسین اسلام و قرآن شکل داد.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام در مراسم میثاق پاسداری، ۱۳۹۲ / ۰۳ / ۰۶